

(۲) دویم آوریل ماه فرانسه ۱۸۷۷ میلادی
 قیمت یک قطره بکعباسی
 قیمت اعلان سطر ده شاهی
 اول قیمت چهار قط

نمزد و از دهم (۱۷)
 اودنیل

(۱۷) دو شنبه هفدهم شهر ربیع الاول ۱۳۹۶
 هر کس اخبار و اطلاعات علمی بدارد لطفاً
 مهابوز بفرستد درین روزنامه
 باسم خود او نوشته میشود



اعلان روزنامه علم

سابق اعلان شده بود که اگر چهل نفر از مطالعه کنندگان روزنامه علمی میل و رغبت خود را بمطبعه علمیه بواسطه رفعه مهو و اظهار نمایند این روزنامه شریفتر و نوره بطبع رسیده منتشر میشود چون تاکنون زیاده از شصت نفر این اعلام را نموده اند روزنامه علم با کمال خوش بختی و سعادت از غره ماه ربیع الثانی هفتم و نهمه بلحاظ نظر طالبین و مطالعه کنندگان خواهد رسید و قیمت آن نهمه سه شاهی است
بقیه تحقیق منرا نصر طیب مخصوص مبارک در الفنون
 ارکان را که قدما مختصر چهار میدانستند و از برای هر یک مزاج مخصوص فائل بودند بسط پندند مرکبات چهار پندند شصت هشتاد ارکان اربعه و موالید ثلاثه از ترکیب این اجسام مفزده بسطه اولیه حاصل شده اند و اختلاف صور آنها بواسطه اختلاف موادشان است چنانکه از ترکیب دو معادله میدرژن که یکی از اجسام مفزده بسطه بخاریه است و اخفت از هواست با یک معادله اکسین که او نیز یکی دیگر از اجسام اولیه است صورت نوعیه ما تبه حادث شده است و از اختلاف یک معادله اکسین مذکور با چهار معادله آرت که او نیز یکی دیگر از اجسام مفزده بخاریه است صورت مادیه هوا تبه حاصل گردیده و از ترکیب و اختلاف جمیع اجسام شصت و هشت گانه هبات اجتماعیه ارض بروز نموده بعضی از این اجسام جامدند بعضی مایع برخی بخار و بعضی فلزاند و برخی شبه فلز و هر یک را با نفاذ طبیعت و خاصیت مخصوصه است و از ترکیب و الصاف آنها با هم آثار مختلفه و خواص متکثره بروز مینماید چنانکه از مجاورت منفر که یکی از اجسام جامد بسطه است با اکسین سردت و نود پروز کند و از الصاف و تماس روی بامس قوه تلکرافت ظهور نماید کوه ارض چون نقطه نامبر که مرکبت از این شصت و هشت جسم ممکنست در هر نقطه از نقاطش اثر و خواص مخصوص بروز کند که هیچ مشاهدت با اثر و خواص نقطه مجاوره اش نداشته باشد و بطور کلی میتوان فائل شد که هر یک از یک مزاج مخصوص داشته باشد هم چنین هوا و هکذا ماه بقیه در شماره
بقیه تفصیل معانی قول شید که صاحب ستر بقیه
 ستر الفار که تراز فلذات است و سمت آن دستان و ایران بافت میشود

و در این ملک سه قسم سم القار دیده میشود اما همین یک قسم آن از داخله ملک است آن سم زرنج زرد است مخلوط با سم القار و کورکود و قسم دیگر یعنی زرنج فرمز و سم القار سفید را از خارجه مپاوردند معدن زرنج زرد در نزدیکی زنجانست سابق بر این یک معدن زرنج زرد در نزدیکی خوی بود نمیدانم حالاً در آن کار میکنند پانه کویا معدن جیوه هم در ایران باشد شجره صفتها بی عبات است از جیوه و کورکود و رنگ سرخ پسار خوبی است نمیدانم این رنگ را در اصفهان با جیوه که از خارجه مپاوردند مپسازند با جیوه آن از معدن داخله است

معدن زاج سفید در نزدیکی فروین هست و در آن صفت چهار معدن مپاشند در زاجک این شش فرسخی فروین سالی دو نیت خروار زاج حاصل میشود و معدن سپردان که فروین با زده فرسخ سالی هزار خروار و در حسن آباد و اینفین سالی هشتاد خروار عاید مپگردد از معدن زاج سفید دیگر اطلاع ندارم بقیه در شماره آینده

بروز و بیکوی بد

بزرگترین چیز نوشتن را در روز علمی زم نمیدانم در هر نهمه اگر اجازت دهید از هر جایا و از هر خیال شرح خواهم نوشت مثلاً در این روزنامه از وضع حاله بنکی دنیا منو بسیم از وقایع تاریخی آنچه در این فروین اخوه محل تعجب است و دانستند از ادب و تجر و تفکر فرو برده وضع ترقی و تربیت اهالی بنکی دنیا است در کتب نواریج قدما چنانکه تفصیل ترقی و مدنیته هم مملکت صبط و ثبت است دیده نشد بلکه موترخین هم در عصر نزدیکانی خودشان نشیده بودند و هیچ یک از مطلق روی بینی در ظرف صد سال قمتها چنین ترقی نماندند که اهالی بنکی دنیا در این نهمه اخیر نموده اند حالاً باید دانست بسیار ترقی چه بوده که در هیچ یک از نواریج خاصه مشابره آن دیده نمیشود آنچه محقق است بسیار این بود که مهاجرین فنک علی الخصوص از انگلیس و فرانسه و سایر ممالک تربیت شده چنانچه آبادی بنکی پتاشمالی که الحال با تاز و فی موسوم است رفقه بقیه حاصل تربیت و ترقی چندین ساله خود را یک دفعه انجا برینند در میان این مهاجرین نباید تصور کرد اشخاص سیکاره و بی صنعت و بی بافت از

خود در رسد و وطن جدیدی بجهت خود اختیار کرده اند نه چنین است بلکه آنچه در میان ملل انگلیس و آکسن و فرانسه و هولاندی کارکن نرو مسعد نر بودند با تارونی مهاجرت نمودند بعد که حاصل این مهاجرت بنکی بنا شد و سایر اهالی فنیک افتاد از اهالی ابرلا سود و نر و ژاپن با ای و سوپس بخارفتند اما در میان این همه مهاجرین از همه بیشتر قابل نر از حیث عسل در آن کشور بسیار است مدنی انگلیسها بودند و با این جهنم است بنکی دنیا پناهها غالباً پوی تربیت قواعد و قوانین بلکه زبان و طرز و رفتار انگلیسها را میمانند مثلاً تارونی از حکامات شما البشر الحی خلیج مکرک نما ما همان تربیت انگلیسها را پینها خود ساخته اند و میتوان گفت یک ملت واحد هستند این مهاجرین که از ملل مختلف بودند حالا یکی شدند و ملت واحد میتوان آنها را تصور نمود چنانکه حیوانات و نباتات فنیک را که خاک بنکی دنیا بودند تغییر وضع دادند تا ترقی کامل نمود و با نزل و بالاخره حیوان و نبات بنکی دنیا شدند نه فنیک این ملل مختلفه که انجا رفتند بعد از ورود بنکی دنیا و چندی توقف حالا یکی شده اند و هیچ یاد از سابق خود نمکنند هجر اینست حالا در بعضی مطالب که راجع ببنکی دنیا است همان اتارونی را مثل زیم و او را شاهد آوریم چنانکه خاک اتارونی بنکی دنیا با بادی فنیک مینمود میبایست هشتصدالی هزار کور جمعیت داشته باشد و با این طرز که پیش میرود عمارت بسیار خواهد داشت اما عجایب از پاره از صد کور جمعیت ندارد

کلیه باید دانست اغلب بلاد بنکی دنیا سرچشمه مکت و فی انواع معدنی هر نوع ثروت است آنچه را تا بحال مهاجرین یافته اند همان فواید سطحی بوده هنوز بعضی نیر داخته اند چه معادن کثیرا آنها به در این خاکست و چه این خاک قابل هر نوع زراعت است

اما نباید تصور نمود که مهاجرین فنیک همه کارها را فی الواقع ناکند و همان سطحی کرده باشند چنین نیست اگر کار آنها تماماً سطحی بود حال و حیثها سکنه قدیم بنکی دنیا را امید داشتند که بصید ماهی و زراعت مختصر فاعلت مینمودند با النسبه کاری چندان نکرده اند اما باز خلیج کار شده است چه جنگلهای بمصرف نر اشته شده و حالا مزارع میند کورده و چه معادن مسوده منکشف کرده اند و در خانهها و عظیم بلکه شطهای بزرگ که قطر آب آنها میند هیچ فایده نبود و مگر هر چه شجرهای لا پنهانها را با و در بار دارد و چه با طلاهای بزرگ بود که سبب امراض مزمنه میکردند بدین بر علی علم آنها را خشک ساخته و محل کشت و زرع نمودند و بینه مراده با یکدیگر این مهاجرین راهها ساخته پلها و روی رودخانهها انداخته اگر شخصی تصور کند ابتداء بحر جمعیت قلیلی اقدام باین کارهای بزرگ ببرد نمودند و این جمعیت قلیل سبب منافع رفوا بد عظیم شدند ما به

چهرت و تعجب است

کار سهل نیست اقلیم لم بزوع وحشی را مزروع و تربیت نمودن مهاجرین از اقلیم قریب و بعید تنها سکنه انجا را با خود دشمن نداشته که بجهت دفع شر آنها مأمی بجهت خود تربیت دهند بلکه سدها میبایست بسازند که در طغیان آب و جریان سیلاب از غرق و هتکام احراق جنگلهای چندین ساله از حرف این باشند هم باید با وحشیان در جنگ و جدال باشند و هم باید از صد مرتبه در آمان و امان خود را از دست نهند سدهای که در ایاالت لوزبان در رودخانه سی سی بی بشهر حلی عظیم نر از سدها پست که حالا ششصد هفتصد سال است در هولاند بنا کرده و میکنند شعبات راه آهن بنکی دنیا را بنوقت بموابت زباد نر و طولانی نر از تمام شعبات راه آهنهای ممالک فنیکست و عجب اینست اینهمه کار را چون از روی علم هند سر ساخته اند چندان عمل بکار نبردند که در فنیک بکار میرود و نه اینقدرها خارج نمودند و با بنواسطه میتوان بنکی دنیا را در علم هند سر اول ملت دانست بالا نر از همه اینکه هیچ ملتی این اسباب را تا کنون فراهم نیاورده و این اختراعات را نکرده که کارهای عمدتاً با با خارج که بموقع اجری آورد

در کارها ثبات قدم و کفایت ایشان بجهت اینست که در میان جمیع ملل در زمین این مسئله ضربا مثل است در کار و عا و فنی مینموانند مثل زنند میگویند باید در کارها بد بنکی دنیا فایدهها را داشت اما هر مسکوک را دو طرفت هر ملت را هم بود است طرف خوب مسکوک و روی مسخ بنکی دنیا پناهها این بود که مرفوم شد اما طرف بد و روی مستخین ایشان آنکه تا بحال از تربیت و مدنیته همان مواد ماده پیراموی کورند بجم پر داخته روحانیات را کار گذاشته و پناهها قابل زراعت نمودند معادن را انکشاف کرده اما رواج علم ندارند و انسان نیر ور بدند که مؤلف و مصنف شاعر و مورخ بنکی دنیا بی دیده میشود و بقدری علم چهارم و بی نوجه است که جای هر کوزه نشو و نقاشی و اسباب موسیقی و مجاری که از علوم عالیه محسوب بنای ترقی در بنکی دنیا گذاشته است مثلاً اسباب ساز خوب از قبیل پیانو و آرنیک بمشابه در بنکی دنیا معادن نر که میتوان آنها را بزرگ داد بفرنگستان اما موسیقی دان و نوازنده قابل ندارد

عجب و بزرگتر از همه که در آخر بعد از اظهار محنت بیان میکنم اینست چون مدار امور هر ملت بشهر بدولت است و رجال دولت که مردمان ابر و مند و بی طمع و حرص شدند دلیل بر ترقی ملت است و برخلاف بر خلاف است الحال رجال اتارونی دستر علیهم و طایفه جداگانان از عامه مردم اتارونی هستند مردمان ابر و مند با کفایت معمول داخل حد ذات دیوان و دولت نمیشوند غالباً اشخاص بی سر و پایا عالمهای

جاهل صفت بی پایه عظمی قبول خدمت دیوان میکنند
 موجب مامورین دولت سپارک است ابرو مند ها قبول خدمت
 نمی کنند چرا که بواسطه کم مواجبه در قوه خود قبول خدمت نمی بینند
 که مبادا مجبور بدزدی و انلاف مال دیوان شوند لذا شخص کفایت
 که چندان در جبهه اعتبار ندارند خدمات دیوان را قبول میکنند بطبع
 اینکه علاوه بر مواجب ظلیل که بانها داده میشود از ادارات راجعه
 بخودشان جلب نفعی نمایند چنانکه در این سوات آخره محض ^{اطمینان} بوجوب
 رجالی دولت و خرج تراشی برای دیوان و در این ضمن مداخله نمود
 بجهت خود مابین ابالات اتاژ و جنکی احداث نمودند و در سنه
 شدند بهم زدند خونخوارانجه ماطها با راج دادند خرب بوبران شد
 رسیدند تا آنکه بواسطه عقل و کفایت یکد و نفر از ایشان که خوش
 بختان ریاست جمهور یافته برود و دور رخ این خزانی و ویرانی شد
 باز در این آخر یکسال قبل و زهر جنک اتاژ و فی تمام بر این رشد که مالت
 مال دولت را خورده و برده و بجای شخص خود رسانید که الحال در زند
 و حبس است بنا بر این دله ملل روی زمین را علاوه بر زو قیات و وحانی
 که علم و دانش باشد لازم است چه مثل بستر از این که پیغمبر خدا صلی الله علیه
 و آله وسلم و ائمه هدی علمهم السلام همیشه ملل مختلفه را که در تحت بیعت
 دین مبین در مهابورند اول خبالتشان و رواج علم و دانش و تربیت آنها
 از این راه است بود قوت و افتد را اسلام وقتی بود که علم و فضل را
 رواج زیاده بود و تربیت علما و فضلا میشد

جغرافی

(کوههای آتش خشان اروپا) اول همکلا واقع در اسپانیا دوم وزو
 نزدیک ناپل در مملکت ایتالیا سیم اتنا واقع در سیسیل
 (رودخانه های مجیش اروپا)
 از کوهها اروپا ابهای زیاده جاری و باعث وجود رودخانه های
 متعدد شده اند که بدرباهای مختلفه میزنند اینها را رودخانه های
 بدربای مجیش شمالی میزنند
 (رودخانه بتکر) (رودخانه نانا) که بدربای سفید میزند (رودخانه
 اونی) که در خلیج نینی میزند (رودخانه زینا) که بدربای بالینک میزند
 (رودخانه نوا) (رودخانه بول) (رودخانه اده) که بدربای شمال
 میزند (رودخانه الپ) (رودخانه وزو) (رودخانه رن) (رودخانه
 من) (رودخانه لک) (رودخانه نینز) که بدربای مانش میزند
 (رودخانه سن) که بدربای انلانینک میزند (رودخانه لوار) (رودخانه
 ژریند) (رودخانه مین) (رودخانه دور) (رودخانه کادپانا)
 (رودخانه کوال کویو) که بدربای مدیترانه میزند (رودخانه ابر)
 (رودخانه رن) (رودخانه آرن) (رودخانه تپس) که بدربای اوردپانک

میزند (رودخانه پ) (رودخانه آویج) که بدربای سباه میزند
 (رودخانه دانوب) (رودخانه دینستر) (رودخانه دینیس) که بدربای
 آرف میزند (رودخانه دن) که بدربای مازند را میزند ^{کلو}
 بقیه در نمره اینه **بقیه تحقیقات منیر از کتب طبیب در امراض**
 نکارند که بدخبل از شروع باخبار مقصوده معجزه از منیر انصر الله ^{لازم}
 است زیرا که در نمره قبیل (وام دار شرح این فصره شدم) مشارالیه
 ولد مرحوم منیر از احد طبیب تکابنی است که از مشاهیر اطباء و فضلا ^{مستوفی}
 بوده منیر انصر الله انشا کرده های اول مد رسه مبارک دار الفنون
 میباشد و از بدو زمان تحصیل پیوسته در مدارج ترقی بوده و پس از
 فراغ از تحصیل همواره معالجات خوب نا و بظهور می رسید
 بعضی از با زها در کلود بد میشود که قدر ایشان از محاط سوا شد است
 و این قطعه سوا شد بواسطه خونی که در او سرایت میکند سپارک
 شد بو شدت عفونت دهان و نفس میافزاید و همین واسطه فلما
 حمل بغافل با منفرود اند و بعد از پراندن این باره میشود باره
 دیگر بجای او بستر شود ولی عموما این باره ثانی سفید تر و نازک تر از
 باره اولی میباشد و در وقتیکه غشاء کاذب باین زیاده باشد جمع
 هم شدت بهم می رسد بعد از علائم مذکوره بعضی علامات
 دیگر بیرون میکند که دلیل بر سرایت غشاء کاذب بر فضا های نامرئی
 میباشد مثلا وقتیکه غشاء کاذب بر سرایت بمخزن و صدف چینه ^{باید}
 عارض شود و رطوبتی خون الوده و متعفن از بینی سبلان نماید

بقیه در نمره اینه

شند که صاحب سر نیپ در جواب سؤالات محمد طاهر میرزا نکاشته
 و بمطبعه علیه فرستاده اند سوادان بعینه در ذیل نکاشته میشود
 جواب مسئله متعلقه بهیئت نمره ده روز نامه علیه در شهب نیا زک
 (۱) اعتقاد مشایخ حکمای طبیعی چنین است که این شهب و نیا زک
 اجزای کوات و سیاراتی هستند که در فزون ساله منکتر و مثلا شنی
 شده اند و بر حسب نفاضای حالت اول که بدو در افتاب متحرک بوده اند
 اجزای آنها همان حرکت باقی میباشد پس معلوم میشود که مرکز آنها
 خود شید است
 (۲) در باب این که حرکات آنها در جهته واحد است یا مختلف مادام که قوه
 جاذبه کوا قراض در آنها اثرش کم است بجهت واحد حرکت میکند و هر وقت
 که بکوه ارض نزدیک میشوند و قوه جاذبه آنها را جذب میکند حرکاتشان
 مختلف بنظر میاید چون از نقاط مختلفه جذب میشوند بواسطه حرکات
 آنها بدو در افتاب مدارات عدیده رسم میشود که در بعضی اوقات مدار
 کوه ارض در آنها واقع میشود از این جهت است که مرکز میشوند این اوقات
 بواسطه رصد و محاسبه قبل از وقت مجتبی تعیین میکنند مثل اینکه در سطح

رجب و اول شعبان هذ السنه از روی محاسبه مینماید که از آنها دیده شود و هم چنین از پیچ الی هفتم ذیقعد

(۳) در باب روشنائی آنها باید دانست که کرات اصلی قبل از آنکه متکسر و متلاشی شوند دارای هوای بوده اند که بدورانها احاطه داشته پس از متلاشی شدن هر قطعه قدری زان هوا باقی ماند تا نام که در فضای ایزی واقع اند یعنی خارج از هوای محیطه کوه ارض از کثرت خردی بعد دیده میشوند پس از آنکه داخل هوای محیطه میشوند از سرعت حرکت جسمشان گرم میشود و اکثرین هوای که بجای و روشن است اسباب اشتعال آنها میشود و در این اشتعال بعضی بجلی می سوزند و بعضی جذب کوه ارض میشوند از این جهت است که ما آنها را مضی می بنیم

(۴) در باب اینکه چرا بعضی از آنها تبا له مضی در هوا ظاهر میسازند و بعضی فوراً تمام میشوند اینفقره تعلق بخردی و بزرگی آنها دارد هر کدام که صغیر تر اند فوراً میسوزند و وضو شان تمام می شود و نهائی که بزرگتر اند چون در جهن اشتعال حرکت میکنند اثری در فضا بنظر ما ظاهر میسازند (فقرات معروفه بر حسب عقیده و اطلاع این بند شنید راست)

بقیه اخبار حفظ صحت میرزا ابوالحسن حکیم شهاب

کشتک خانه مبارکه که متعلق به تنظیم شهر است از آنکه امراض در پنهان شدت حاصل نموده بقدری که مافوق آن متصور نیست مردم را تلف کرد و تخفیف یافته فلپلی که باقی مانده بودند از پریشانی بیرون آمدن اسباب نوبت این امراض مهلك را دانسته در صد در صد رفع آنها بر آمدند و همان نسبت که وجود اسباب ظهور امراض میباشد از عدم آنها سلامت و راه بهم رسیده پس عموم مردم و مخصوصاً حکومتها بتجسس علوم پرداختند و بحکم قواعد حفظ صحت شهر را معول داشته و موز مخفیة طبیعت را اشکال ساختند و مستعمل داشته زنده کافی خود را بنک و خاطر جمع نمودند چنانکه در اندک مدتی کویها را عریض ساختند و ممانا ممکن خانهها را از یکدیگر دور نموده و راه مویج هوا و یا نشانی آفتاب را کشودند معابروا از سبک و کوبه فارغ داشته در کار شتر و خرواسب استر فراری دادند برای فضلا آنها ناودانی روپوش را بوضع خوب فرار دادند که آب در آنها هیچ وجه گیری نداشت و هم بنقلید طبیعت خنیا با آنها و با عمارات را در خنیا سپارفتنایند و اطراف جویبار را با فام سبز و دریاچه صفا دادند و آب انبان چنان می پنداشتند که همین قدر صفای شهر و حفظ چشمی باعث دفع آبی دمی ها و بلاها شده ولی غافل بودند از اینکه هوای مستفقه چون از ریه انسانی خارج میشود دیگر قابل تنفس نیست پس اگر هوای چار و شخص بشود بد نیاید

میشود چنانکه تکرار ز رسیدن بخار زغال بجزای تنفس هلاکت پیدا شده است و شکافی بزرگ است که همین هوای خارج شده از مجرای تنفس انسانی که فی الحقیقه بخار زغال است جزء لازم زندگانی در خنان و نباتات است و همین قدر که هوای متفرقی در وجود تنفس نباتات معول شد جزئی که مضر صحت انسانی است در نباتات مانده جزء خارج هوا نیست خالص و قابل تنفس انسان خلاصه آبهای بسیار بیشترها داخل کرده هر روز با کمال دقت کویها را نشه و جای کشته هوا را خنک میکردند و بدرستیکه آب مایه صحت عمومی است و موافق قواعد علمیه همان آب زنده گانی همین ابهای خالص خوش کوار است و هر فتائی که شعور انسانی از فقر زمین بیرون آر د چشمه حیوانیست تازه پس خوبی مراعات قواعد حفظ صحت از نظیف شهر بدن قدر است که مذکور شد تا مل کند و اثر اهل و در آن ملاحظه نماید تا کی شهر بدن خوبی عاری از نظافت باشد از این خرابیها که مزبله و محل نغش حیوانات مختلفه است یکی از اسباب بزرگ حصول امراض است بالجله همین قدر میگوئیم که باید در دفع اسبابی که در فضا هوای شهر در تفصیل زمین مذکور شد کوشید و وجود این سگهای ناخوش بجز ضایع کردن هوای شهر هیچ متخیر ندارد و از این خرابیها که مزبله شده است ضد و ائف بعمل نیاید تا امر نظیف شهر بشود طبیب کامل نباشد و از روی قواعد علمیه در اصلاح معایب آن نکوشد نمیتوان خاطر جمع بود چه هر یک از اسام معایب را مصلح مخصوصی است یکی از اجزاء مجلس حفظ صحت پاریس میگوید که مفاخرت میگوئیم از این قدر نزدیک که اگر اتفاقاً یکی از امراض آبی دمی در اروپا بهم رسد از ممالک برخاسته است که در امراض هوزهای نزدیک پونکتر آیند و در خنیا تری نداده است چنانکه طاعون از مصر بدین ممالک میرسد و با وجود شعور بزرگ که در این جزو مان در مصر نزدیک شده اند همیشه در کار رود پیل شعله طاعون جامهها را برهنل زده و با روپ سرایت دارد و با از فایده پنجا میرسد که مردمی بنا عتقاد و انقطع میکنند فریفتان که چنانلان دارند همیشه از نزدیکان خراف جسته زنده دارای قوه بدنی و نه صاحب شعورند امید هست که بجز این زود بهای جمع حفظ صحت و مدافع استیبا امراض است کوشیده امراض در پاره از میان بردارند و بی نظمی مواد طبیعی را نظیر دوام روشنائی و نظافت معابرو و مسالك مساعی جمله مبذول نماید تا هوا و صفای شهر در نظم با سایر امور مطابقت نماید بقیه

اعلان

در روزنامه نمره دهم در تفصیل معادن طلا لفظه ترک شده کوه زر را از دامغان چهار فرسخ نوشته سهواست چهارده فرسخ است و سینه طلا را کندگان نوشته شده نمائند

در کویها را نشه و جای کشته هوا را خنک میکردند و بدرستیکه آب مایه صحت عمومی است و موافق قواعد علمیه همان آب زنده گانی همین ابهای خالص خوش کوار است و هر فتائی که شعور انسانی از فقر زمین بیرون آر د چشمه حیوانیست تازه پس خوبی مراعات قواعد حفظ صحت از نظیف شهر بدن قدر است که مذکور شد تا مل کند و اثر اهل و در آن ملاحظه نماید تا کی شهر بدن خوبی عاری از نظافت باشد از این خرابیها که مزبله و محل نغش حیوانات مختلفه است یکی از اسباب بزرگ حصول امراض است بالجله همین قدر میگوئیم که باید در دفع اسبابی که در فضا هوای شهر در تفصیل زمین مذکور شد کوشید و وجود این سگهای ناخوش بجز ضایع کردن هوای شهر هیچ متخیر ندارد و از این خرابیها که مزبله شده است ضد و ائف بعمل نیاید تا امر نظیف شهر بشود طبیب کامل نباشد و از روی قواعد علمیه در اصلاح معایب آن نکوشد نمیتوان خاطر جمع بود چه هر یک از اسام معایب را مصلح مخصوصی است یکی از اجزاء مجلس حفظ صحت پاریس میگوید که مفاخرت میگوئیم از این قدر نزدیک که اگر اتفاقاً یکی از امراض آبی دمی در اروپا بهم رسد از ممالک برخاسته است که در امراض هوزهای نزدیک پونکتر آیند و در خنیا تری نداده است چنانکه طاعون از مصر بدین ممالک میرسد و با وجود شعور بزرگ که در این جزو مان در مصر نزدیک شده اند همیشه در کار رود پیل شعله طاعون جامهها را برهنل زده و با روپ سرایت دارد و با از فایده پنجا میرسد که مردمی بنا عتقاد و انقطع میکنند فریفتان که چنانلان دارند همیشه از نزدیکان خراف جسته زنده دارای قوه بدنی و نه صاحب شعورند امید هست که بجز این زود بهای جمع حفظ صحت و مدافع استیبا امراض است کوشیده امراض در پاره از میان بردارند و بی نظمی مواد طبیعی را نظیر دوام روشنائی و نظافت معابرو و مسالك مساعی جمله مبذول نماید تا هوا و صفای شهر در نظم با سایر امور مطابقت نماید بقیه